



مقدمه

انسان، از دیدگاه قرآن و سنت، باید مسیر کمال را که ایمان و اخلاص و عمل صالح لازمه ی آن است بپیماید. وی، در مقابل اموال خصوصی و عمومی مسئول است و باید حقوقی را، در مراحل تولید و توزیع و مصرف، همه جا، رعایت کند. عدالت اجتماعی و توازن اقتصادی و استقلال و حداکثر کارایی، از اهداف عمده ی «اقتصاد اسلامی» است. هر فرد مسلمان، باید برای رشد و گسترش این اهداف، در حد توان خویش گام بردارد. این همه، حاصل نمی گردد مگر با ضد ارزش ها نیز مبارزه شود. لازمه تحقق این وظیفه، شناخت دیدگاه اسلام و دستورهایش در این باره، است. عصر پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم و حضرت امیر المؤمنین علیه السلام از برترین نمونه هایی است که در آن، اهداف اقتصاد اسلامی پیاده شد و نظام اقتصادی، به صورت سازمان یافته، در جامعه تشکیلاتی پیدا کرد. انفال و زکات و خمس و خراج و . . . از اموال دولت محسوب شد و حفظ آن به نفع جامعه اسلامی، بر کارگزاران حکومتی، امری ضروری شناخته شد. عهد نامه ای که حضرت علی علیه السلام در دوران خلافت خویش برای مالک اشتر تنظیم کرده، نمونه ی کامل این رفتار بخردانه ی امام مسلمین، در مقابل بیت المال و نظام اقتصادی جامعه اسلامی است . اینک که ما پس از چهارده قرن، به حکومت اسلامی دست یافته ایم، باید با به کار بستن احکام اسلامی، در رشد و تعالی اقتصادمان کوشا بوده و از هرگونه اسراف و تبذیر بپرهیزیم.

چهل حدیث حاضر که به پیشنهاد ستاد احیای امر به معروف و نهی از منکر فراهم آمده، بدین امید تدوین یافته است تا همه ی کسانی که دست شان به بیت المال می رسد، با دیدگاه و رفتار پیشوایان معصوم علیهم السلام نسبت به بیت المال، آشناتر شوند و نسبت به گردآوری و نگهداری و مصرف بیت المال، دقیق تر عمل کنند. و الله ولی التوفیق 13 جمادی الاولی 1417 برابر 6/7/1375 سالروز شهادت حضرت زهرا علیها السلام قم حوزه علمیه محمد عابدی

حلال شمردن اموال عمومی

قال الإمام الباقر عليه السلام: عن النبي صلى الله عليه وآله وسلم: «خمسة لعنتهم و كل نبي مجاب الزائد في كتاب الله، و التارك لسننتي، و المكذب بقدر الله و المستحل من عترتي ما حرم الله. . . ، و المستأثر بالفىء المستحل له.» امام باقر عليه السلام از رسول اکرم صلى الله عليه وآله وسلم نقل می کند که ایشان فرمودند: پنج کس اند که من و هر پیامبر مستجاب الدعوه ای، آنان را لعنت کرده است: آن کس که در کتاب خدا، آیه ای را زیاد گرداند، و کسی که سنت و روش مرا، رها کند و کسی که قضا و قدر خدا را تکذیب کند (1) و کسی که حرمت اهل بیت مرا که خدا واجب فرموده نگه ندارد، و کسی که اموال عمومی را، به خود منحصر سازد و [تصرف در] آن را [به نفع خود] حلال شمارد. الکافی، ج 2، ص 293

عدالت در تقسیم بیت المال

قال أمير المؤمنين عليه السلام، لعمر بن الخطاب: «ثلاث إن حفظتهن و عملت بهن، كفتك ما سواهن، و إن تركتهن لم ينفعك شيء سواهن. قال: و ما هن يا أبا الحسن؟ قال: إقامة الحدود على القريب و البعيد، و الحكم بكتاب الله في الرضاء و السخط، و القسم بالعدل بين الأحمر و الأسود.» امير مؤمنان علی علیه السلام خطاب به عمر بن خطاب فرمود: سه چیز است که اگر آنها را حفظ کنی و به آنها عمل کنی، از هر چیز دیگر، تو را کافی است. و اگر آنها را ترک کنی، چیز دیگری برای تو فایده ندارد. عمر گفت: آنها چیست؟ امام فرمود: 1. اجرای حدود بر همه کس، چه از اقوام باشد و چه غیر از آنان. 2. حکم کردن طبق کتاب خدا، در حال خشنودی و خشم. 3. تقسیم عادلانه بیت المال میان همه ی مردم، از عجم و عرب. عمر گفت: سوگند به جانم! مختصر و بلیغ گفתי. وسائل الشیعة، ج 18، ص 156

امام علی علیه السلام و بیت المال

حضرت امیر المؤمنین علی بن ابیطالب علیه السلام پس از فتح بصره، گروهی از قاریان و خزانه داران را فرا خواند و دستور داد درهای بیت المال را گشودند. امام با دیدن اموال آن فرمود:

«یا صفراء و یا بیضاء غری غیری، المال یعسوب الظلمة و انا یعسوب المؤمنین» (2)

ای زردها و سپیدها (طلاها و نقره ها) ! غیر مرا بفریبید، مال پیشوای ستمگران است و من پیشوای مؤمنان.

بخشش از بیت المال

قال الإمام علی علیه السلام:

«جود الولاية بفیء المسلمین، جور و ختر.»

حضرت علی علیه السلام فرمود: بخشش نا به جای حکمرانان از اموال عمومی مسلمانان، ستم و خیانت است.

میزان الحکمة، ج 10، ص 745

حقوق مال و بیت المال

قال الإمام السجاد علیه السلام:

«و اما حق المال: فان لا تأخذه الا من حله و لا تنفقه الا فی حله. و لا تحرفه عن مواضعه و لا تصرفه عن حقائقه

و لا تجعله اذا كان من الله إلا الیه و سببا إلى الله.»

امام سجاد علیه السلام فرمود: باید اموال را، جز از راه حلال نگیری و جز به راه حلال صرف نکنی و از موضع اش

منحرف نکنی و از واقعیت ماهوی اش دور نسازی و چون مال از او است، جز در مسیر او به کار نگیری و جز مایه

ی حرکت بسوی او قرار ندهی. تحف العقول، ص 191، الحیة، ج 3، ص 178

خزانه دار خدا

قال الامام على عليه السلام:

«ليس لك أن تفتت في رعية و لا تخاطر إلا بوثيقة و في يدك مال من مال الله عز و جل و أنت من خزانه حتى تسلمه إلي.»

امام علی علیه السلام فرمود: حق نداری به دلخواه خویش، به مردم چیزی بگویی و بدون دستور، به کارهای دشوار اقدام ورزی! در دست تو، مالی از اموال خداوند عز و جل است. و تو، یکی از خزانه داران اویی تا آن را، به دست من بسپاری. نهج البلاغه، نامه ی 6 .

پرداخت سهم بیت المال

قال الإمام الصادق عليه السلام:

«ما بلى الله العباد بشيء أشد عليهم من إخراج الدراهم.»

امام صادق علیه السلام فرمود: خداوند، بندگان را به چیزی سخت تر از پرداخت حقوق مالی شرعی، امتحان نکرده است. بحار الانوار، ج 70، ص 139 .

پرداخت حقوق بیت المال

نمایندگان اعزامی قبیله ی «عبد قیس» به پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم گفتند : «میان ما و شما، مشرکان قبیله ی «مضر» قرار دارند و ما، جز ماه های حرام، وقت دیگری نمی توانیم به خدمت شما برسیم، به ما دستوری بده که اگر به آن عمل کردیم، داخل بهشت شویم و دیگران را نیز به آن دعوت کنیم» .

«قال النبی صلی الله علیه و آله و سلم: آمرکم بأربع و أنهاکم عن أربع: آمرکم بالایمان بالله ثم فسرھا لهم، فقال: شهادة أن لا إله إلا الله و إقامة الصلاة و إيتاء الزكاة و أن تؤدوا خمس ما غنمتم.»

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم در جواب آنها فرمود: شما را به چهار چیز، امر و از چهار چیز، نهی می کنم:

شما را، امر می کنم به: این که به خدا ایمان بیاورید و سپس در مقام توضیح به آنها فرمود: یعنی بگویید «لا إله الا الله» نماز را به پا دارید و زکات را بپردازید و یک پنجم آن چه را به دست می آورید، خمس دهید. صحیح مسلم، ج 1، ص 27، باب الأمر بالایمان.

ارسال اضافی بیت المال به مرکز حکومت

حضرت علی علیه السلام در نامه ای به عبد الله بن عباس نوشت:

«بسم الله الرحمن الرحيم من عبد الله على امير المؤمنين الى عبد الله بن عباس اما بعد، فانظر ما اجتمع عندك من غلات المسلمين و فيئهم فاقسمه على من قبلك حتى تغنيهم، و ابعث إلينا بما فضل نقسمه فيمن قبلنا و السلام» (3). از بنده خدا علی امیر المؤمنین علیه السلام به عبد الله بن عباس اما بعد، بنگر آنچه را نزد تو جمع شده از غلات مسلمانان و درآمدها و غنایم متعلق به ایشان. پس آنها را بین افرادی که نزد تو هستند (و احتیاج دارند) تقسیم کن تا ایشان را بی نیاز سازی. و باقی مانده آن را نزد ما بفرست تا بین کسانی که نزد ما هستند، تقسیم کنیم. و السلام.

بهره والی از حکومت

قال الامام على عليه السلام:

«اما بعد، فلا يكن حظك في ولايتك مالا تستفيدة و لا غيظا تشتفيه و لكن إماتة باطل و احياء حق» (4).

امام علی علیه السلام طی نامه ای به ابن عباس می نویسد: ای فرزند عباس! بهره تو از حکومت نباید مالی باشد که از آن استفاده کنی و نه غیظ و خشمی که با امر و نهی شفا یابد. بلکه باید هدف تو نابودی باطل و زنده داشتن حق باشد.

پرهیز از انحصار طلبی

قال الامام علی علیه السلام:

«ایاک و الاستئثار بما الناس فيه أسوة. . .»

امام علی علیه السلام خطاب به مالک اشتر فرمود: بپرهیز از ویژه سازی (انحصار طلبی) در چیزهایی که همه مردم در آنها برابرند. نهج البلاغه، نامه ی . 53

برکناری والی

قال الامام علی علیه السلام:

«اما بعد فانما غرک من نفسک و جرأک علی آخرک املاء الله لک، اذ ما زلت قدیما تأکل رزقه و تلحد فی آیاته و تستمتع بخلاقک و تذهب بحسناتک الی یومک هذا. فاذا أتاک رسولی بکتابی هذا، فاقبل و احمل ما قبلک من مال المسلمین!» إن شاء الله. امام علی علیه السلام در نامه ای به اشعث (والی آذربایجان) می فرماید: اما بعد. تنها چیزی که تو را از جانب نفست مغرور ساخته و بر دیگران جرأت یافتی، مهلت خدا به تو است، زیرا، تو از قدیم روزی خدا را می خوری، اما نسبت به آیات و نشانه های او، انکار و الحاد می ورزی و از نصیب و بهره ی خود استفاده می کنی و تا به امروزت نیکی های خود را از بین برده ای. هرگاه فرستاده ی من، این نامه ی مرا به تو داد، به سوی ما بیا و آنچه از اموال مسلمانان نزد تو می باشد، همراه خود بیاور ! ان شاء الله. نهج السعادة، ج 4، ص 87، تاریخ یعقوبی، ج 2، ص . 200

تقسیم عادلانه ی بیت المال

ربیعہ و عمارہ و گروہی دیگر گفته اند: در آن زمان که گروہ کثیری از اصحاب امیر المؤمنین علی بن ابی طالب علیہ السلام از دور آن حضرت پراکنده شده و به سوی معاویہ رہ سپردند تا کہ نصیبی از دنیا ببرند، گروہی از یاران حضرت اش خدمت او رسیدند و عرضه داشتند: «ای امیر مؤمنان! این همه اموال را بخشش کن، و این اشراف عرب و قریش و کسانی را کہ می ترسی زیر بار فرمان تو نروند و به سوی معاویہ بگریزند، بر سایر آزادشدگان و عجمیان ترجیح و تفضیل ده!» .

فقال لهم أمير المؤمنين عليه السلام:

«أتأمرونى أن أطلب النصر بالجور؟ لا، و الله لا أفعل ما طلعت شمس و [ما] لاح فى السماء نجم. [و الله] لو كانت أموالهم لى لواسيت بينهم، فكيف و انما هى أموالهم؟!»

امير المؤمنين عليه السلام فرمود: مرا مى گوييد كه پيروزى را از راه ستم بجويم؟ ! نه، به خدا سوگند! تا خورشيد مى تابد و ستاره اى در آسمان مى درخشد، دست به چنين كارى نمى يازم . به خدا سوگند! اگر اين اموال از خودم بود، هر آينه مساوات را در ميان آنان مراعات مى كردم، چه رسد به اين كه مال خودشان است. امالى مفيد، ص 193 و . 194

سیره ی عملی امير المؤمنين عليه السلام

قال الامام على عليه السلام:

«ليس المسلم بالخائن إذا ائتمن، و لا بالمخلف و إذا وعد، و لا بالكذوب اذا نطق. نحن أهل بيت الرحمة، و قولنا الحق، و فعلنا القسط و منا خاتم النبيين، و فينا قادة الاسلام و أمناء الكتاب، ندعوكم إلى الله و رسوله و إلى جهاد عدوه، و الشدة فى أمره، و ابتغاء رضوانه، و إلى إقامة الصلاة، و ايتاء الزكاة و حج البيت، و صيام شهر رمضان و توفير الفىء لأهله. . .»

مسلمان، در امانت، خيانت نرزد و در وعده، تخلف نکند و در سخن، دروغ نگوید. ما خاندان رحمت ايم، گفتار ما، حق و کردار ما، عدل است. خاتم پيامبران از ماست و پيشوايان اسلام و امينان کتاب خدا، در ميان مايلند. شما را به سوى خدا و پيامبرش، و جهاد با دشمن اش و سختگيرى و پايدارى در امرش و طلب خرسندى اش، و بر پايدارى نماز و پرداخت زکات و [به جا آوردن] حج خانه خدا و روزه ی ماه رمضان، و پرداخت کامل فىء (5) به اهل اش دعوت مى کنيم. . . امالى مفيد، ص 259 و . 260

باز گردانیدن بیت المال هدر داده شده

قال الامام على عليه السلام:

«و الله لو وجدته قد تزوج به النساء و ملك به الاماء لرددته، فان فى العدل سعة. و من ضاق عليه العدل، فالجور عليه أضيق.»

امام علی علیه السلام فرمود: به خدا سوگند! اگر ببینم آنچه را عثمان بیهوده از بیت المال، به این و آن بخشیده، به مهر زنان یا بهای کنیزان شده باشد، آن را باز می گردانم، زیرا، عدالت، گشایش می آورد. و آن کس که عدالت بر او گران آید، ظلم و ستم، بر او گران تر خواهد بود. نهج البلاغه، خطبه ی . 15

دقت در مصرف بیت المال

کتب أمير المؤمنين عليه السلام الى عماله:

«أدقوا أقلامكم و قاربوا بين سطوركم و أحذفوا عني فضولكم و اقصدوا قصد المعاني، و اياكم و الاكثار، فان أموال المسلمين لا تحتل الاضرار.»

امام علی علیه السلام برای کارگزاران اش نوشت: قلم های خود را نازک کنید و سطرها را نزدیک به هم گیرید و زیادتی کلمات را حذف کنید و مقاصد و منظورها را در نظر بگیرید! بر حذر می دارم شما را از پر حرفی و پر نویسی، زیرا، اموال مسلمانان نمی تواند این گونه خسارت ها را تحمل کند. بحار الانوار، ج 76، ص 49، میزان الحکمة، ج 9، ص 308، خصال، ص . 219

حسابرسی امور کارگزاران

قال الامام علی علیه السلام [إلى بعض عماله] :

«أما بعد. فقد بلغني عنك أمر، ان كنت فعلته فقد اسخطت ربك و عصيت امامك، و اخزيت امانتك . بلغني أنك جردت الارض فأخذت ما تحت قدميك، و اكلت ما تحت يدك. فارفع الي حسابك! و اعلم ان حساب الله اعظم من حساب الناس. و السلام.» حضرت علی علیه السلام به یکی از کارگزاران اش نوشت: اما بعد. درباره ی تو به من خبری رسیده است. اگر چنین کرده باشی، همانا که خدای خویش را به خشم آورده و از فرمان پیشوای خود سرباز زده و در امانت، کار به رسوایی کشانده ای . مرا گفته اند که به ستم، زمین را از بار و بر، تهی ساخته ای و باغ و بستان مردمان گرفته ای و کیسه ها از اندوخته ها پرداخته ای.

اینک، حساب خود را نزد من فرست و بدان که حساب خواهی خدا، از حساب رسی آدمیان، دشوارتر است. و السلام. نهج البلاغه، نامه ی . 40

سرپرست بیت المال

امام علی علیه السلام سپاهی را به شام فرستاده بود و در صدد بود که سپاهی دیگر در پی آنها بفرستد. امام مردم را به جهاد بر می انگیزد و مردم، مدتی طولانی، خاموش بودند. امام فرمود: شما را چه می شود؟ آیا شما گنگان و لالانید؟ پس عده ای از آنان گفتند: ای امیر مؤمنان! اگر تو می روی، ما نیز می آییم. قال امیر المؤمنین علیه السلام: «ما با لکم! لا سددتم لرشد! و لا هدیتم لقصد! أ فی مثل هذا ینبغی لی أن أخرج؟ وإنما یخرج فی مثل هذا رجل ممن أراضاه من شجعانکم و ذوی بأسکم، و لا ینبغی لی أن أدع الجند و المصر و بیت المال و جباية الأرض و القضاء بین المسلمین و النظر فی حقوق المطالبین، ثم أخرج فی کتیبة أتبع أخري.»

امام علی علیه السلام فرمود: شما را چه می شود؟ به راه رشد توفیق نیابید، به راه میانه رهبری نشوید! آیا در زمانی چنین، سزاوار است که من از شهر بیرون بروم؟ همانا در چنین هنگام باید مردی از دلیران و نیرومندان شما که من بپسندم، بیرون رود. سزاوار نیست که من لشکریان و شهر را و بیت المال و جمع آوری خراج زمین و داوری بین مسلمانان را واگذارم و رسیدگی به درخواست های ارباب رجوع را، رها کنم و با دسته ای در پی دسته ای دیگر بیرون روم. نهج البلاغة، خطبه ی . 119

فراخ ساختن روزی کارگزاران

قال الامام علی علیه السلام:

« . . ثم أسبغ علیهم الأرزاق، فان ذلك قوة لهم علی استصلاح أنفسهم و غنی لهم عن تناول ما تحت أیدیهم و حجة علیهم ان خالفوا أمرک أو ثلموا أمانتک. . . »

حضرت علی علیه السلام پس از دستوراتی که در مورد گزینش کارگزاران حکومتی، صادر می کند، به مالک اشر می فرماید: [وقتی آنان را این چنین برگزیدی،] باید که روزی شان را فراخ گردانی، که این کار، آنان را به اصلاح خویشتن بسی نیرومند گرداند، و از خوردن اموالی که در اختیار دارند، بی نیاز سازد و هرگاه از فرمان تو سرپیچی کنند یا در امانت خیانت ورزند با آنان اتمام حجت شده باشد. نهج البلاغة، نامه ی 53، (فرمان امام علیه السلام به مالک اشر).

مذموم بودن کوچک انگاری امانت

قال امير المؤمنين عليه السلام:

« . . و من استهان بالأمانة، و رتع في الخيانة و لم ينزه نفسه و دينه عنها، فقد أحل بنفسه الذل و الخزي في الدنيا و هو في الآخرة أذل و أخزي. و ان أعظم الخيانة، خيانة الامة، و أفضع الغش غش الأئمة. و السلام.»

امام علی علیه السلام در نامه ای به یکی از کارگزاران خود که برای جمع آوری زکات فرستاده بود، می فرماید: . . . آن کس که امانت داری را خوار انگارد و در اموال مردم، به خیانت چرا کند و روان و آیین خویش را از خیانت کاری، پاکیزه نگرداند، همانا در این سرا، خواری و ذلت بر خود روا داشته است و در آن سرا، خوارتر و ذلیل تر از این سرا باشد. آری، بزرگ ترین خیانت، خیانت به ملت است و زشت ترین دغل کاری، دغل کاری با پیشوایان. و السلام.

نهج البلاغه، نامه ی . 26

فرمان به امانتداری

قال الامام علی علیه السلام:

«و انی أقسم بالله قسما صادقا، لئن بلغنی أنك خنت من فی ء المسلمين شیئا صغیرا أو کبیرا، لأشدن علیک شدة تدعک قلیل الوفر، ثقیل الظهر، ضئیل الامر. و السلام.»

عبد الله بن عباس، از طرف امیر مؤمنان علیه السلام در بصره و نواحی اهواز و کرمان و . . . سمت کارگزاری داشت. او، زیاد بن ابیه را که چندان هم خوشنام نبود، عامل بصره کرد. امام اعمال او را زیر نظر داشت و این نامه را برای او نوشت که: به خدای سوگند، سوگندی راست ! که اگر آگاه گردم که در مال مسلمانان به کم و بیش خیانت ورزیده ای، چنان بر تو سخت گیرم که اندک مال گردی و گران پشت از فاقه، و خوار مایه گردی. و السلام.

نهج البلاغه، نامه ی . 20

فروستان و بیت المال

قال الامام على عليه السلام:

« . . الله الله في الطبقة السفلي . . و اجعل لهم قسما من بيت مالک . . . »

حضرت علی علیه السلام فرمود: خدا را، خدا را، در نظر بگیر درباره ی گروه فروستان بیچاره . . و آنان را از بیت المال که در اختیار تو است نصیبی بخش. نهج البلاغه، نامه ی . 53

مصرف بیت المال

روزی، نامه ای از نجاشی والی اهواز به امام صادق علیه السلام رسید. وی، خبر منصوب شدن خود به استانداری اهواز را داده و از امام درباره ی اجرای احکام خدا، دستور العمل خواسته بود.

«قال الامام الصادق علیه السلام: . . ایاک أن تعطی درهما او تخلع ثوبا او تحمل علی دابة فی غیر ذات الله لشاعر أو مضحک أو ممتزح الا أعطیت مثله فی ذات الله.» امام صادق علیه السلام به وی فرمود: . . بپرهیز از این که در غیر رضای خدا، به شاعری یا لطیفه گویی یا دلگیری، درهمی ببخشی، یا جامه ای را از تن بیرون بیاوری، یا متاعی را بر چارپایی، حمل کنی و هدیه دهی، مگر آنکه همانندش را در راه خدا بخشش کنی! المکاسب، شیخ انصاری، ص 60، المکاسب المحرمة، امام خمینی، ج 2، ص 127، وسائل الشیعة، ج 12، ص 150

جوایزی از بیت المال

قال الامام الصادق علیه السلام:

« . . و لتکن جوائزک و عطایاک و خلعتک للقواد و الرسل و الأحفاد و أصحاب الرسائل و أصحاب الشرط و الأخماس.»

امام صادق علیه السلام در طی توصیه هایی که به استاندار اهواز می کند، می فرماید: باید جوایز و عطایا و خلعت هایی را که می دهی، به فرماندهان لشکر و فرستادگان و خدمتکاران و نامه رسانان و شرطه ها (پیش

مرگان) و پنج گروه لشگر بدهی.
وسائل الشيعة، ج 12، ص 150، المكاسب المحرمة، امام خمینی، ج 2، ص 127

بیزاری از انحصار جویان اموال عمومی

قال الامام الرضا عليه السلام:

« . . و البراءة من الذين ظلموا آل محمد عليهم السلام . . و البراءة من الناكثين و القاسطين و المارقين . . و البراءة من أهل الاستتار . . »

امام رضا علیه السلام فرمود: . . . بیزاری از کسانی که به آل محمد علیهم السلام، ظلم روا داشتند. . . و برائت از پیمان شکنان و منحرفان و مرتدان. . . و برائت از ویژه سازان اموال عمومی مسلمانان بر خود، . . . از شرایط اسلام راستین است.

عیون أخبار الرضا، ج 2، ص 126، مسند الامام الرضا عليه السلام، ج 2، ص 502

غارت بیت المال

قال الامام على عليه السلام:

« . . و لكنني آسى أن يلي أمر هذه الأمة سفهاؤها و فجارها فيتخذوا مال الله دولا و عباده خولا و الصالحين حربا و الفاسقين حزبا. »

حضرت علی علیه السلام در طی نامه ای به اهل مصر می نویسد: ولی از این اندوهناکم که سرپرستی حکومت این امت به دست بی خردان و نابکاران افتد، بیت المال را به انحصار در آورند، آزادی بندگان خدا را سلب کنند و آنها را بنده خویش سازند، با صالحان نبرد کنند و فاسقان را هم دستان خود قرار دهند. نهج البلاغه، نامه ی 62 و 67 .

عدالت در تقسیم اموال

قال الامام الكاظم عليه السلام:

«ان الله لم يترك شيئاً من صنوف الاموال الا و قد قسمه و أعطى كل ذى حق حقه الخاصة و العامة و الفقراء و المساكين و كل صنف من صنوف الناس. فقال: لو عدل في الناس لاستغنوا. ثم قال : ان العدل أحلى من العسل و لا يعدل الا من يحسن العدل.» امام كاظم عليه السلام فرمود: همانا خدا، تمامی مال ها را تقسیم کرده و حق هر مستحق را از خاصه و عامه و فقیر و مسکین و اصناف دیگر مردم را، به آنها داده است. سپس فرمود: اگر در میان مردم عدالت حکمفرما باشد، همه، بی نیاز شوند. و باز فرمود: عدالت، از عسل شیرین تر است و عدالت را پیشه نکند، جز کسی که عدالت را خوب بداند. اصول کافی، ج 2، ص . 495

ساده زیستی مسؤولان

معلى بن خنيس گوید: روزی به امام صادق علیه السلام عرض کردم: نعمت هایی را که بنی عباس دارند بیاد آوردم و با خود گفتم: اگر این نعمت ها برای شما می بود، ما هم با شما، در خوشی بودیم. قال الامام الصادق علیه السلام: «هیهات یا معلى أما و الله أن لو کان ذاک، ما کان الا سياسة اللیل و سیاحة النهار و لبس الخشن و أكل الجشب. . .» امام صادق علیه السلام فرمود : هیهات ای معلي! اگر چنین می بود (و ما حاکم بودیم) برای ما جز تدبیر شبانه و تلاش روزانه و پوشاک زبر و درشت و خوراک سخت و بی خورش، چیزی نبود. . . اصول کافی، ج 2، ص . 273

شرط بهره وری از بیت المال

عبد الله بن زمعة که شیعه ی مولا علی علیه السلام بود هنگام خلافت وی، به خدمت اش رفت و مالی از او درخواست کرد. حضرت در پاسخ فرمود: «ان هذا المال ليس لي و لا لك، و انما هو فيء للمسلمين، و جلب أسيافهم. فان شركتهم في حربهم، کان لك

مثل حظهم، و الا فجنة أیدیهم، لا تكون لغیر أفواههم.» حضرت علی علیه السلام فرمود: همانا این مال، نه از آن من است و نه از آن تو، بلکه آن، غنیمت مسلمانان است. این، مالی است که به ضرب شمشیر آنان، فراهم گردیده است. پس اگر در نبرد آنان شرکت داشته ای، سهمی به اندازه ی بهره ی آنان داری، اگر نه، میوه ی چیده شده به دست آنان، لقمه ای برای دهان های دیگران نیست. نهج البلاغه، خطبه . 232

مساوات در تقسیم بیت المال

وقتی به حضرت علی علیه السلام خرده گرفتند که چرا به کسانی که در اسلام، سابقه بیشتر دارند و در جنگ ها شرکت جسته اند و به آنان که دارای حسب و نسب عالی هستند، بیش از دیگران، از بیت المال، بخشش نمی فرماید، فرمود:

«أتأمرونی أن أطلب النصر بالجور فی من ولیت علیه؟ ! و الله! لا أطور به ما سمر سمیر، و ما أم نجم فی السماء نجما. لو كان المال لی، لسویت بینهم فکیف و انما المال مال الله؟»

حضرت علی علیه السلام فرمود: آیا به من فرمان می دهید تا از راه ستم کردن به کسی که مرا، به او ولایت داده اند، پیروزی به دست آورم؟ نه، به خدا سوگند! تا دهر افسانه ی بقا سراید و اختران در پی یکدیگر بچرخند، به چنین کاری نزدیک نگردم. اگر مال، از من بود، همانا میان مردمان به مساوات پخش می کردم، چه رسد که مال، مال خدا است. نهج البلاغه، خطبه . 126

زیان دنیوی و اخروی

شریح بن حارث، به فرمان امام علیه السلام به منصب قضا نشسته بود. روزی به حضرت علی علیه السلام خبر رسید که وی، سرایی به هشتاد دینار خریداری کرده است. وی را فرا خواند و فرمود :
یا شریح! لا تكون ابتعت هذه الدار من غیر مالک، أو نقدت الثمن من غیر حلالک، فأذن أنت قد خسرت دار الدنيا و دار الآخرة. ای شریح! مباد که این خانه را جز با مال خویش خریده باشی و بهای آن، جز از مال حلال خود پرداخته باشی. و گرنه، هم در این سرا و هم در آن سرا، زیان کرده ای. نهج البلاغه، نامه ی . 3

عدم رعایت مقررات مالی

«مدعم» از خدمتکاران پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم در یکی از جنگ ها، همراه وی بود . او، در آن جنگ، به تیر دشمن شهید گشت. مسلمانان، کنار پیکر او گرد آمده، می گفتند: بهشت بر تو گوارا باد! ولی پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم سخنی نمی فرمود و خشمناک به نظر می رسید. حاضران، علت خشم را نمی دانستند که ناگهان پیامبر فرمود:

«کلا، و الذی نفس محمد بیده! ان شملته الآن لتحترق علیه فی النار، کان غلها من فی ء المسلمین یوم خیبر.» نه هرگز، سوگند به خداوندی که جان محمد در دست اوست! روپوش او هم اکنون وی را در میان آتش شعله ور خود می سوزاند، چون، او، آن روپوش را از بیت المال مسلمانان (بدون رعایت مقررات) و از روی خیانت برداشته بود. سیره ی ابن هشام، ج 3، ص . 354

امر به معروف پاسدار بیت المال

قال الامام الحسین علیه السلام:

«ان الأمر بالمعروف و النهی عن المنکر: دعاء الی الاسلام مع رد المظالم و مخالفة الظالم و قسمة الفی ء و الغنائم و أخذ الصدقات من مواضعها و وضعها فی حقها.»

امام حسین علیه السلام فرمود: امر به معروف و نهی از منکر، آن است که: کافران را به اسلام دعوت کنی، حقوق ستمدیدگان را باز ستانی، با ستمگر به مخالفت برخیزی، غنیمت ها و بیت المال را عادلانه بین اهل اش قسمت کنی، زکات را از آنجا که باید، بگیری و در آنجا که باید، مصرف کنی. تحف العقول، ص . 270

خیانت کارگزار

قال أمير المؤمنين عليه السلام:

« . . و لئن كان ما بلغني عنك حقا، لجمل أهلك و شسع نعلك خير منك. . . »

حضرت امیر المؤمنین علیه السلام بعد از خیانت «منذر بن جارود» در ولایت فارس، به وی نگاشت: . . . اگر آنچه که از خیانت تو، به من رسیده است، درست باشد، شتر اهل ات و بند کفش ات، با ارزش تر از تو است. نهج البلاغه، نامه ی . 71

تقسیم بیت المال

عن حفص بن غیاث، قال: سمعت أبا عبد الله عليه السلام يقول و سئل عن «قسم» بیت المال : «أهل الاسلام، هم أبناء الاسلام اسوی بینهم فی العطاء و فضائلهم بینهم و بین الله. أجعلهم کبني رجل واحد، لا یفضل أحد منهم لفضله و صلاحه فی المیراث علی آخر ضعیف منقوص. قال: و هذا هو فعل رسول الله فی بدو أمره. و قال غیرنا: أقدمهم فی العطاء بما قد فضلهم الله بسوابقهم فی الاسلام.»

حفص بن غیاث می گوید: از امام صادق علیه السلام درباره ی تقسیم بیت المال پرسیدند، فرمود: اهل اسلام، فرزندان آن محسوب می شوند، در امکانات بیت المال، من، برابرشان می دانم . امتیازات معنوی آنان، بین آنها و خدا محاسبه می شود. [لذا،] همانند فرزندان یک نفر که فضیلت و صلاحیت، سبب فزونی ارث بردن یکی بر دیگری که ضعیف و ناقص است نمی شود. [مسلمانان نیز، این چنین هستند] . حضرت، در ادامه فرمود: پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم در آغاز اسلام، چنین رفتار می کرد ولی دیگران گفتند: ما، برخی را بر اساس سابقه ی بیشتر در اسلام، از نظر اقتصادی امتیاز می بخشیم. وسائل الشیعه، ج 11، ص . 81

سهل گیری جمع آوری خراج

مردی از قبیله ثقیف گوید: امیر المؤمنین علیه السلام مرا به عنوان مأمور جمع آوری خراج، به برخی نواحی کوفه فرستاد و در مقابل مردم گفت:

«انظر خراجک فجذ [و جذ] فیه و لا تترك منه درهما! فاذا أردت أن تتوجه الی عملک فمر بی ! قال: فأتیته. فقال لی: ان الذی سمعته منی، خدعة. ایاک ان تضرب مسلما أو یهودیا أونصرانیا، فی درهم خراج أو تبیع دابة عمل فی درهم. فانما أمرنا أن نأخذ منهم العفو (ای: الزائد لا أصل المال)»

به دقت، در مورد خراج بررسی کن و در آن بکوش و از یک درهم هم نگذرا! وقتی خواستی به سوی محل کار خود،

بروی نزد من بیا!

او گفت: هنگام حرکت، به خدمت حضرت رفتم. به من فرمود: آنچه شنیدی خدعه بود. مبدا مسلمانان یا یهودی یا مسیحی ای را برای خراج بزنی یا حیوان کاری را به خاطر مالیات بفروشی! زیرا ما مأموریم که مازاد را از آنان بگیریم نه اصل مال را. الکافی، ج 1، ص 152، وسائل الشیعة، ج 4، ص 90

تقسیم بیت المال در زمان مشخص

عن مجمع:

«ان علیا کان یکنس بیت المال کل یوم جمعة ثم ینضحه بالماء، ثم یصلی فیہ رکعتین، ثم یقول :

تشهدان لی یوم القیامة.»

مجمع تیمی گوید:

علی علیه السلام روزهای جمعه، بیت المال را جارو می زد و در آن آب می پاشید و دو رکعت نماز می گزارد و می گفت: این «دو رکعت نماز» شاهدند [که من، بیت المال را به موقع، در میان مسلمانان تقسیم کردم] . وسائل الشیعة، ج 11، ص 83

بیت المال و بدهکاران

قال النبی (ص) :

«ما من غریم ذهب الی و ال من ولاة المسلمین و استبان للوالی عسرته، الا براء هذا المعسر من دینه و صار دینه

علی والی المسلمین فی ما بین یدیه من أموال المسلمین.»

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم فرمود:

هر بدهکاری که نزد حاکمی از حاکمان مسلمانان برود و فقر و ناچاری وی، برای والی روشن شود، بدهکاری او، بر عهده ی حاکم مسلمانان نهاده می شود و او، از اموال عمومی، قرض آن شخص را پرداخت می کند. مستدرک

الوسائل، ج 2، ص 491

خیانت در بیت المال

قال رسول الله صلى الله عليه وآله وسلم: «من استعملناه منكم على عمل، فكتمنا مخيطا فما فوقه، كان غلولا يأتي به يوم القيامة»
رسول اکرم صلی الله علیه و آله و سلم فرمود:
هر کس از شما را، بر کاری گماردیم و او، سوزنی یا چیز مهم تری را از ما پنهان دارد، آن خیانت گر را همراه با خیانت اش روز قیامت خواهند آورد. صحیح مسلم، ج 2، ص . 127

تقسیم سریع بیت المال

عن ضحاک ابن مزاحم عن علی علیه السلام قال:
«كان خليلي رسول الله صلى الله عليه وآله وسلم لا يحبس شيئا لغد و كان ابو بكر يفعل و قد رای عمر فی ذالك أن دون الدواوين و آخر المال من سنة الى سنة و اما انا فاصنع كما صنع خليلي رسول الله صلى الله عليه وآله وسلم قال: و كان علی يعطيهم من الجمعة الى الجمعة و كان يقول: هذا جناي و خياره فيه اذ كل جان يده الى فيه» امير المؤمنين علیه السلام فرمود: دوستم رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم چیزی را برای فردا ذخیره نمی کرد و ابو بکر گاهی این کار را انجام می داد. عمر مصلحت دید که دفتر و دستک درست کند و پرداخت اموال را از سال به سال دیگر تأخیر انداخت. اما من همان شیوه پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم را عمل می کنم. ضحاک می گوید: امیر المؤمنین علیه السلام جمعه به جمعه اموال بیت المال را به مستحقان می داد و می فرمود: این است دست چین من و خوب هایش هم در میان آنان است. در شرائطی که دست هر میوه چین به سوی دهان خویش است. وسائل الشیعه، ج 11، ص . 83

پی نوشت ها :

1. قدر خدا، یعنی، قدرت و اراده ی خدا در انجام کارهایی که آدمی انجام می دهد شیعه در مقابل جبر و تفویض از آن به «الامر بین الأمرین» یاد می کند و نه به جبر مطلق و نه اختیار تام، بلکه بین آن دو که قدرت خدا در کارهای آدمی دخیل است عقیده دارد. رجوع کنید: «الکافی»، ج 1، کتاب التوحید، تحت همین عنوان.
2. الجمل، ص 154، چاپ جدید، ص 285، نسخ بدل یعسوب المؤمنین، یعسوب الدین آمده است.

3. بحار الانوار، ج 32، ص 401، وقعة صفین، ص 106، نهج السعادة، ج 5، ص . 321
4. بحار الانوار، ج 40، ص 328، نهج السعادة، ج 75 ص . 348
5. «فیء» غنائمی است که بدون جنگ و درگیری از کفار به دست مسلمانان می افتد.